

آموزش محور پیشرفت

کند که آن‌ها را خلاق، پرسشگر، منظم و مرتب، دارای روحیه تعامل و علاقه‌مند به مشارکت جمعی و همکاری، همین‌طور احترام به حقوق دیگران بار آورد تا بتوانند در آینده باعث پیشرفت جامعه شوند، نه افرادی که فقط در پی پیشبرد مقاصد و منافع شخصی خود هستند و برای رسیدن به این هدف از نادیده گرفتن و ضایع کردن حقوق دیگران پروایی ندارند.

مشکل دیگر نظام آموزشی ما متون درسی و بسته‌های آموزشی در اختیار شاگردان است. مطالب درسی به اندازه کافی شوق‌انگیز و جذاب نیستند تا شاگردان با خواندن آن‌ها به مطالعه و پژوهش بیشتر تشویق شوند. علاوه بر این در مدارس با جایگزین کردن جزوه به جای کتاب درسی، بیشتر اهداف آموزشی گم می‌شود. کتاب‌های کمک‌درسی گوناگون هم گرچه اغلب به لحاظ ظاهری شکل مناسبی دارند، اما از نظر محتوا کیفیت مناسبی ندارند و مجموعه‌ای از محفوظات برای تست‌زنی و موفقیت در امتحان و آزمون ورودی دانشگاه‌ها هستند. در کشورهای پیشرفته بسیاری از استادان و دانشمندان برجسته علاقه زیادی به ترویج علم و تألیف کتاب‌های علمی برای همگان دارند؛ بنابراین، در این کشورها تعداد زیادی کتاب به زبان ساده درباره مطالب علمی جدید وجود دارد که اطلاعاتی را در اختیار افراد علاقه‌مند قرار می‌دهد و مردم را با یافته‌های علمی جدید آشنا می‌سازد. اما در کشور ما دانشمندان کمتر به این کار می‌پردازند و ترجمه‌هایی هم که از این نوع کتاب‌ها وجود دارد اغلب به قلم افرادی است که اطلاع چندانی از موضوع ندارند و در نتیجه برای خوانندگان قابل‌درک نیست. نمونه بارز این مطلب در شانزدهمین جشنواره کتاب رشد مشاهده شد که در آن، در حوزه علوم پایه هیچ کتاب برگزیده و شایسته تقدیری وجود نداشت. این مطلب باید زنگ خطری برای مسئولان باشد تا به جای تبلیغ گسترده کتاب‌های شبه‌آموزشی به رفع کاستی‌های نظام آموزش و پرورش بپردازند. باید با بهره‌گیری از تجربه کشورهای موفق در این زمینه به تربیت افرادی پرداخت که بتوانند با توسعه همه‌جانبه روش‌های آموزشی مؤثر، کشور را از وابستگی به موادی رها سازند که به دیگران اجازه می‌دهد بتوانند ما را در شرایط اقتصادی نامناسب قرار دهند.

امروز تعدادی از کشورهایی که پیش از این جایگاه ممتازی در بین کشورهای در حال توسعه نداشتند موفق شده‌اند مقام برجسته‌ای در بین این کشورها کسب کنند. این کار با تأکید آن‌ها بر ارتقای کیفیت آموزش رخ داده است، زیرا به‌خوبی متوجه شده‌اند که توسعه کشور بدون بهره‌گیری از افرادی که برای بهره‌گیری از دانش خود و تعامل سازنده با افراد دیگر آموزش مناسب دیده باشند ممکن نیست.

آموزش و پرورش رکن اساسی توسعه و تعالی مادی و معنوی هر جامعه است. با این همه، کشور ما به‌رغم میراث فرهنگی درخشان و سهم بارز در تمدن بشری، با چالش‌های فراوان در سبک، کیفیت و کمیت بسته‌های آموزشی و نظام حاکم بر مدارس روبه‌روست و هنوز نتوانسته است به شکل و محتوای مناسبی دست پیدا کند.

ما هنوز به ساختار مناسب برای نظام آموزشی نرسیدیم. مدرسه‌های ما اغلب مطالب زیادی را در زمینه‌های گوناگون به شاگردان آموزش می‌دهند که از عمق زیادی برخوردار نیستند و دانش‌آموز نمی‌داند آنچه می‌آموزد چه ارتباطی با مواردی دارد که در زندگی روزمره با آن‌ها روبه‌رو می‌شود و چه کاری می‌تواند با آموخته‌های خود انجام دهد. عدم آمادگی کافی در برقراری ارتباط با جهان واقعی، مهم‌ترین تفاوت ما با کشورهای پیشرفته است. در این کشورها، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، متون درسی در همه سطوح، ارتباطی تنگاتنگ با زندگی واقعی دارد و مسئله‌هایی در آن‌ها مطرح می‌شود که در زندگی افراد مستقیماً به کار می‌آید.

مشکل دیگر مدارس ما آن است که در کلاس‌های درس اغلب معلم نقش فعال را به‌عهده دارد و شاگردان کمتر در این کار مشارکت دارند. این موضوع انگیزه و شور و شوقی در شاگردان به‌وجود نمی‌آورد و آن‌ها اغلب مدرسه و کلاس درس را مکانی کسل‌کننده و آموزش را وظیفه‌ای شاق و دشوار می‌بینند که باید از روی اجبار و برای قبول شدن در امتحان و جلب رضایت والدین خود به آن تن دهند. در جهان امروز، پیشرفت اقتصادی هر کشور در گروی آموزش مؤثر افراد آن است. برای توسعه هر کشور لازم است نظام آموزشی کودکان را از همان مراحل اولیه آموزش، یعنی پیش‌دبستان و دبستان، طوری تربیت